



چالش‌ها و پیامدهای اقتصادی نزدیکی عربستان سعودی و اسرائیل بر امنیت ملی ج.ا.ایران

امیرحسین نعمتی^۱ | جلال ترکاشوند^۲ | علیرضا نایبج^۳

چکیده

تقویت امنیت اقتصادی، گسترش تجارت و سرمایه‌گذاری و ارتقای توسعه اقتصادی از اهمیت و جایگاه بسیار بالایی در استراتژی امنیت ملی کشورها برخوردار است. در این میان رشد و توسعه در اقتصاد یک کشور به‌عنوان بخش جدایی‌ناپذیر از امنیت ملی همواره با کم و کیف روابط کشورهای رقیب آن کشور ارتباط مستقیم دارد. جمهوری اسلامی ایران نیز همچون دیگر کشورها از این قاعده مستثنی نبوده و در طول حیات خود همواره متاثر از کم و کیف روابط رقبای خود و رویدادهای مهم در سطح منطقه و جهان بوده است. یکی از رویدادهای مهم در سال‌های اخیر که کم و کیف آن می‌تواند تأثیرات منفی بر امنیت ملی ایران داشته باشد، گرایش عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی به ایجاد روابط نزدیک و عادی سازی روابط بین آن‌هاست. با توجه به اهمیت این موضوع مقاله حاضر به دنبال آن است تا با روشی توصیفی-تحلیلی و با نگاه موسع به مقوله امنیت، ضمن تشریح وضعیت حاضر، به سؤال پاسخ دهد که چالش‌های اقتصادی نزدیکی روابط عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران چگونه خواهد بود؟ یافته محوری این پژوهش آن است که نزدیکی روابط عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی با ایجاد یک هم‌افزایی منطقه‌ای و جهانی علیه ایران، زمینه‌های تشدید هر چه بیشتر فشارهای اقتصادی موجود را فراهم و از این طریق امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

واژگان کلیدی: جمهوری اسلامی ایران، عربستان سعودی، رژیم صهیونیستی، امنیت ملی، اقتصاد

DOI: 10.27834/CSIW.2404.1389.2.33.4

^۱ استادیار علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، گروه جغرافیا، دانشکده علوم پایه دانشگاه افسری امام علی (ع)، تهران، ایران.

(نویسنده مسئول). amirhossein_nematy@yahoo.com

^۲ استادیار علوم سیاسی دانشگاه امام علی (ع)، تهران، ایران. jalaltorkashvand56@yahoo.com

^۳ دکتری روابط بین‌الملل. alireza128@gmail.com

^۱ **استناد:** نعمتی، امیرحسین؛ ترکاشوند، جلال و نایبج، علیرضا. (۱۴۰۳). چالش‌ها و پیامدهای اقتصادی روابط نزدیک بین عربستان سعودی و

اسرائیل بر امنیت ملی ج.ا.ایران. بحران پژوهی جهان اسلام، ۱۱(۲)، ۸۰-۱۰۷.



این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

شماره ۲ (۳۳)

سال ۱۱

تابستان ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۰۱/۲۱

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۰۵/۲۵

صص: ۸۰-۱۰۷



مقدمه

روابط بازیگران بین‌الملل در سه شکل قابل تصور است. این سه شکل عبارت است از: تنش و ستیز، رقابت و همکاری. بررسی روابط کشورها در دوره‌های مختلف حاکی از وجود ترکیبی از این سه شکل در روابط است. در خصوص رژیم صهیونیستی، موضع جمهوری اسلامی ایران همواره از بدو انقلاب عدم شناسایی و تخصیص شدید بوده است. اما در سوی دیگر عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان دو کشور تأثیرگذار در منطقه غرب آسیا در روابط خود طیف متنوعی از انواع روابط را داشته‌اند. روابط این دو کشور از زمان انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹، اگر چه در برخی موارد به سمت همکاری محدود با یکدیگر حرکت کرده است اما غالباً بر ترکیبی از رقابت و تنش استوار بوده است. این روابط به‌طور ویژه پس از شکل‌گیری بهار عربی در سال ۲۰۱۱ سیری صعودی به سمت افزایش تنش داشته است به گونه‌ای که شدت تنش‌ها، در برخی از دوران گمانه‌ها مبنی بر احتمال بروز جنگ میان دو کشور را در ذهن تحلیلگران و سیاستمداران ایجاد کرده است. سعودی‌ها در سال‌های اخیر طیف متنوعی از اقدامات را در مقابل ایران در پیش گرفته‌اند. جنگ مستقیم با یمن به‌عنوان متحد نزدیک ایران، جنگ‌های نیابتی در سوریه، رقابت در عراق و همکاری‌های بین‌المللی و ائتلاف‌سازی برای تحت فشار قرار دادن ایران و در سال‌های اخیر اتخاذ سیاست مسالمت‌جویانه با ایران در کنار پیگیری هم‌زمان طرح عادی‌سازی روابط با اسرائیل و تکمیل توافقنامه‌ای تحت عنوان توافقنامه ابراهیم از جمله این طیف از اقدامات می‌باشد. به نظر می‌رسد محمد بن سلمان از هر روزنه‌ای بدنبال رسیدن به اهداف خود و کنترل رقیب منطقه‌ای خود ایران می‌باشد.

از زمان ولیعهدی محمد بن سلمان در عربستان سعودی و روابط ویژه او با دولت ترامپ گمانه زنی‌های زیادی از عادی‌سازی روابط میان عربستان و اسرائیل نیز صورت گرفته و پیش‌بینی‌ها از شروع این عادی‌سازی با جلوداری برخی کشورهای کوچک و در نهایت عربستان سعودی بوده است. به گونه‌ای که با پیوستن بحرین و امارات به این توافق این پیش‌بینی‌ها به حقیقت پیوست. ادامه این روند اگر چه در ابتدا در دوران ریاست جمهوری بایدن این روند با مشکلاتی مواجه بود اما با ورود مجدد نتانیاهو به پست نخست‌وزیری و تلاش‌های دو طرف، تحرکات از قریب الوقوع

چالش‌ها و پیامدهای اقتصادی نزدیکی عربستان سعودی و اسرائیل بر امنیت ملی ج.ا.ایران

بودن و تکمیل کامل این روند برای پیوستن عربستان به آن حکایت داشت.^۱ اما این بار با وقوع حملات ۷ اکتبر و شروع جنگ میان حماس و اسرائیل این روند متوقف گردیده است. با توجه به اظهار نظرهای صورت گرفته توسط مقامات سعودی به نظر می‌رسد اگر چه جنگ توانسته است به توقف این روند منجر گردد؛ ولی در آینده و پس از جنگ همچنان گزینه محتمل، جدی و قابل اجرا می‌باشد. در این میان جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یکی از مخالفین سرسخت روند عادی‌سازی روابط میان کشورهای منطقه و اسرائیل، در صورت ادامه روند حاضر، اگر چه فرصت‌هایی را می‌تواند بدست آورد، اما شکی وجود ندارد که همچون گذشته با مشکلات و پیامدهای امنیتی مختص به خود مواجه خواهد شد. یکی از مهم‌ترین ابعاد امنیت برای کشورها، بعد اقتصادی امنیت است که همواره متأثر از تحولات در دیگر ابعاد امنیتی می‌باشد. سؤالی که مطرح می‌شود آن است که با توجه به روند پیش‌رو که حاکی از تمایل جدی از سوی سعودی‌ها برای پیوستن به توافقنامه ابراهیم است، این اتفاق مهم به لحاظ اقتصادی چه چالش‌هایی اقتصادی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران خواهد داشت؟ یافته محوری یا فرضیه این پژوهش آن است که نزدیکی روابط عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی با ایجاد یک هم‌افزایی منطقه‌ای و جهانی علیه ایران، زمینه‌های تشدید هر چه بیشتر فشارهای اقتصادی موجود را فراهم و از این طریق امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را تحت تاثیر قرار خواهد داد.

۱- پیشینه پژوهش

اگر چه سخن گفتن از نزدیکی روابط میان عربستان سعودی و اسرائیل موضوع تازه‌ای نیست و مطالعات و تحلیل‌هایی نیز در گذشته مبنی بر وجود روابط پنهانی میان رهبران وجود داشته است، اما در سال‌های اخیر نشانه‌های آشکارتری از نزدیکی برای ایجاد روابطی گسترده‌تر در سطح صاف‌بندی میان آن‌ها نمایان شده است. در سال‌های اخیر نیز شاهد برخی مطالعات و تحلیل‌ها در زمینه نزدیکی روابط میان عربستان و اسرائیل بویژه در قالب معامله قرن هستیم اما تقریباً کمتر پژوهشی به پیامدها و

¹ See more Information About; Al Jazeera Staff, (21 Sep 2023). "What's happening with normalising ties between Saudi Arabia and Israel?". Available at; <https://www.aljazeera.com/news/2023/9/21/whats-happening-with-normalising-ties-between-saudi-arabia-and-israel>.

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

چالش‌های این نزدیکی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بخصوص از بعد اقتصادی پرداخته است. از طرفی به جهت جدید بودن موضوع، بیشتر مطالعات و تحلیل‌های صورت گرفته از جنبه ژورنالیستی برخوردار بوده است. در میان مطالعات آکادمیک از حیث نزدیکی موضوع می‌توان به مطالعاتی چند به شرح جدول ذیل اشاره کرد؛

نویسنده تحقیق	عنوان تحقیق یا اثر	نمشر	رویکرد و نتیجه تحقیق
واعظ و همکاران، (۱۴۰۲)	عادی سازی روابط عربستان و اسرائیل و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران: تهدیدات علیه محور مقاومت	فصلنامه مطالعات بین المللی	عادی سازی روابط عربستان و اسرائیل منجر به حمایت آنها از نیروهای داخلی، تجزیه طلب و ایوزیسیون ایران و نیز نیروهای منطقه ای و بین المللی علیه محور مقاومت شده است.
نعمتی و حاجی یوسفی، (۱۳۹۸)	«تحولات جدید در روابط عربستان سعودی و اسرائیل: دلایل و زمینه‌ها»	فصلنامه آفاق امنیت	در این تحقیق به دلایل و زمینه های شکل گیری چنین رابطه ای پرداخته شده و اشاره ای به پیامدهای آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بویژه در حوزه اقتصاد صورت گرفته است.
عباسی، مجید و حمید فر، حمیدرضا (۱۳۹۹)	اتحاد عربستان و اسرائیل با آمریکا و پیامدهای آن بر نفوذ و موازنه قوای جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه	فصلنامه مطالعات بین المللی	این مطالعه با استفاده از تئوری موازنه قوا نشان می‌دهد که همکاری عربستان و اسرائیل بویژه پس از انعقاد برجام پررنگتر شده است و بویژه پس از روی کار آمدن ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا برای تغییر برجام، همکاری استراتژیک با آمریکا را بررسی می‌کنند. موازنه قوا در خاورمیانه به ضرر ایران اقدام کرده اند.
عمادی، (۱۳۹۷)	ابعاد و اهداف مختلف مناسبات رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی (گذشته، حال و چشم‌انداز آن با تأکید بر رویکردهای رسانه‌ای)	واحد پژوهش های کاربردی معاونت برون مرزی صداوسیما	با اتخاذ چارچوب نظری موازنه تهدید استفن والت عادی سازی روابط میان عربستان و اسرائیل به هزینه جمهوری اسلامی ایران را از جنبه ابعاد، پیامدها و موانع داخلی، منطقه‌ای و بین‌الملل با رویکرد رسانه‌ای مورد بررسی قرار داده و به ارائه راهکارها و پیشنهادات کاربردی برای رسانه ملی پرداخته است.
آدمی و همکاران، (۱۳۹۷)	اسرائیل و عربستان سعودی: عصر جدید همکاری دو جانبه»	پژوهش های راهبردی سیاست	نویسندگان به دنبال پاسخ به این سؤال هستند که چقدر رژیم اسرائیل و عربستان سعودی توانسته‌اند در موازنه سازی علیه جمهوری اسلامی ایران موفق باشند.

چالش‌ها و پیامدهای اقتصادی نزدیکی عربستان سعودی و اسرائیل بر امنیت ملی ج.ا. ایران

این مقاله به تشریح وضعیت موجود عادی سازی، موانع عادی سازی، مسئله فلسطین، دیدگاه بن سلمان، افکار عمومی و مساله مشروعیت و توافقنامه ابراهیم و شرایط اسرائیل پرداخته است. و در نهایت نتیجه می‌گیرد که توافق صلح برای عربستان هنوز یک قدم بسیار دور است و منتظر شرایط مناسب می‌باشد. ^۲	مطالعات امنیت نهادی برای ملی (The Institute for National Security Studies)	مسیری برای عادی سازی؛ روابط اسرائیل و عربستان سعودی	یوئل گوزانسکی ^۱ (۲۰۲۳) Yoel guzansky
این تحقیق از منظر تاریخی به کشف منطق پشت پرده همکاری دو کشور علیه جمهوری اسلامی ایران پرداخته و بیان می‌دارد که منطق عربستان به جای ایدئولوژی بر مصلحت‌گرایی استوار است.	میدل ایست ژورنال (Middle East Journal)	عربستان سعودی و اسرائیل: از حالت پنهانی به مشارکت عمومی و آشکار بین سال‌های ۲۰۱۸-۱۹۴۸،	پوده‌الی (۲۰۱۸) Podeh, Elie
نویسنده در نتیجه تحقیق معتقد است که عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی، متحدانی ناآشنا علیه نفوذ رو به رشد ایران در منطقه هستند و از این رابطه دو به رشد اما بسیار حساس، هر از گاهی، نشانه‌هایی به بیرون درز می‌کند. از دید وی این نشانه‌ها تصادفی نیست. آنها به دقت هماهنگ شده‌اند، با این هدف که به ایران در مورد رابطه‌ای در حال گسترش هشدار داده شود و در عین حال جامعه عربستان سعودی را برای پذیرش عیان شدن احتمالی این رابطه آماده کند	آتلانتیک (Atlantic)	«رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی: انگیزه‌های یک اتحاد پنهان»	مارکوس (۲۰۱۷) Marcos

در مجموع، نکته قابل توجه آن است که حتی در میان تحلیل‌ها و مطالعات آکادمیک نیز غالب تحلیل‌های صورت گرفته به دلایل و زمینه‌های نزدیکی روابط عربستان سعودی و اسرائیل پرداخته و از توجه به چالش‌ها و پیامدهای این همکاری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران مخصوصاً از حیث اقتصادی غفلت گردیده است. بنابراین با توجه به نیاز پژوهشی احساس شده مقاله حاضر کوشیده است با مفروض گرفتن شکل‌گیری همکاری عربستان با رژیم صهیونیستی در آینده احتمالی نه چندان دور، با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر دیدگاه نظری موسع به مقوله امنیت، چالش‌ها و پیامدهای اقتصادی نزدیکی احتمالی روابط میان عربستان سعودی و اسرائیل بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را مورد بررسی قرار دهد.

۲- چارچوب نظری؛ مکتب کپنهاگ و دستور کار گسترده‌تر مطالعات امنیتی

در حالی که جریان اصلی روابط بین‌الملل و همچنین مطالعات سنتی امنیت، به مفهوم امنیت به‌عنوان یک موضوع تک بعدی نگاه می‌کنند و امنیت را فقط شامل امنیت نظامی، فیزیکی و یا مادی تعریف می‌کنند، پیروان مکتب کپنهاگ با رد مفهوم امنیت مضیق، مفهوم امنیت موسع را مطرح می‌کنند. در همین زمینه ریچارد اولمن در سال ۱۹۸۳ اولین مقاله و نقد خود را راجع به امنیت مضیق

نوشت. استدلال وی برای این مبنا بوده است که، تمرکز بر امنیت نظامی تصویر بسیار غلط و نادرستی را از امنیت ارائه می دهد و بایستی مسائلی همچون رشد جمعیت و کمبود منابع به عنوان دیگر مسائل امنیتی در نظر گرفته شود (Ullman, 1983:129-153). به دنبال آن، بوزان با رد مفهوم امنیت مضیق، امنیت را مفهومی موسع دانسته و آن را به پنج بخش نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی تقسیم می کند. بنابراین به گفته بوزان، تهدیدها و ناامنی ها می توانند در حوزه های مختلف (نظامی و غیرنظامی) رخ دهند (Buzzan and weaver, 1998:21-23). البته مکتب کپنهاگ همچنان نیز امنیت نظامی را یکی از مهم ترین ابعاد امنیت می داند و بر آن است که امنیت نظامی دارای تأثیر بسیار زیادی بر ابعاد سه گانه دولت یعنی ایده ها، نهادها و قدرت مادی آن دارد و می تواند موجب اختلال و یا حتی نابودی نهادهای دولتی و یا پایگاه مادی دولت شود (Buzzan, 2000:142).

نظریه پردازان مکتب کپنهاگ همچنین با طرح مفهوم تهدید وجودی یعنی تهدیدی که موجودیت موضوع مورد نظر را به مخاطره می اندازد و آن را با خطر تخریب و یا آسیب جدی روبرو می سازد، هدف مرجع امنیت را در بخش های پنج گانه این گونه مشخص می سازد: هدف مرجع در بخش نظامی، دولت است. هدف مرجع در بخش سیاسی، شامل ایده حاکمیت و نهادها است، که در این جا علاوه بر حاکمیت، عناصری چون ایدئولوژی و یا حتی هویت ملی نیز می تواند مرجع امنیت سیاسی قرار گیرند. بنابراین هر گونه تهدیدی علیه حاکمیت، هویت و یا نهادهای شکل دهنده به دولت و نظام سیاسی در دو سطح داخلی و بیرونی، می تواند امنیت سیاسی دولت را به خطر بیندازد. تشخیص هدف مرجع در بخش اقتصادی کمی دشوار است. از نظر پیروان مکتب کپنهاگ، تهدیدات وجودی در این بخش در ماهیت و ذات اقتصاد بازار نهفته است. هدف مرجع در بخش اجتماعی هویت است. بنابراین تهدیدات وجودی در این بخش ها تهدیداتی اند که هویت اجتماعی یک کشور را با مخاطره روبرو می سازند. نهایتاً هدف مرجع امنیت در بخش زیست محیطی می تواند موضوعات گسترده ای را در برگیرد (Buzan and et al, 1998). بوزان و همکارانش در راستای طرح مفهوم امنیت موسع، امنیت را در سطوح مختلف بین المللی، منطقه ای، ملی، اجتماعی و فردی مطرح کرده و در این میان امنیت ملی را به عنوان مرکز ثقل امنیت به شمار آورده و بر آن تأکید ویژه ای کرده اند. البته بوزان و همکارانش میان سطوح مختلف امنیت رابطه وابستگی و تأثیر متقابل را مطرح کرده اند (Buzzan, 2000:142). یکی دیگر از مباحث مهم و کلیدی مکتب کپنهاگ که

حاکمی از تحول مفهوم امنیت در نزد نظریه پردازان این مکتب است، مفهوم امنیتی ساختن است. در واقع مکتب کپنهاگ با رد عینی بودن مسئله امنیت، امنیت را موضوعی بینا ذهنی تلقی می‌کند، به این معنا که امنیت می‌تواند میان بازیگران امنیتی و مخاطب وی ساخته شود. بنابراین چنانچه بازیگر امنیتی ساز، پدیده‌ای را امنیتی نماید و مخاطب آن نیز آن را بپذیرد، آن پدیده امنیتی شده است. بدین ترتیب آن چه در این میان مهم است، ذهن، ادراک و نگرش بازیگر و مخاطب اوست (Balzacq, 2005:176). در این راستا می‌توان استدلال کرد که با توجه به پیوند میان ابعاد و مؤلفه‌های اقتصاد با امنیت ملی در خارومیانه که متأثر از امنیتی ساختن این مسائل است، در کنار مسائلی همچون رقابت قدرت برای افزایش حوزه نفوذ در منطقه، رقابت‌های تسلیحاتی و...، ترکیب پیچیده‌ای از مفهوم و ابعاد امنیت ملی در خارومیانه وجود دارد. در نتیجه، رویکرد مکتب کپنهاگ با توجه به موسع بودن ابعاد امنیت ملی می‌تواند برای تبیین تأثیر رویدادهای امنیتی بر امنیت ملی مفید باشد.

۳- شاخص اقتصاد در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

محیط امنیتی هر کشوری به‌طور سنتی متشکل از دو جزء داخلی و خارجی است و به عبارتی در تعامل با تحولات داخلی و بین‌المللی قرار دارد. به همان اندازه که تغییرات نظام سیاسی حاکم بر یک کشور بر جهت‌گیری‌ها، اولویت‌ها و مسائل امنیتی آن مؤثرند، تحولات عرصه بین‌المللی و تغییر در ماهیت و چگونگی توزیع قدرت آن نیز تأثیرات غیرقابل انکاری بر امنیت اجزاء نظام (دولت-ملت‌ها، نهادهای غیردولتی و غیررسمی، شهروندان) می‌گذارد (Darvishi, 2006: 2). مفهوم امنیت و امنیت ملی از ابعاد مختلفی برخوردار بوده و دیگر صرفاً مبتنی بر نگاه سنتی بر مقوله نظامی استوار نیست. امنیت یک مفهوم گسترده‌تر و چندوجهی به خود گرفته و شامل ابعاد اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی و زیست محیطی می‌باشد. بنابراین مبتنی بر این دیدگاه، تمرکز بر تهدیدات نظامی در حال کمرنگ‌تر شدن است و به عبارتی تهدیدات، گسترده و چندجانبه شده‌اند، به گونه‌ای که مقابله با بسیاری از تهدیدات تنها با اتکا به توان داخلی و بدون همکاری میان کشورها و سازمان‌های متعدد و توجه صرف به امکانات نظامی امکان‌پذیر نیست. در این مقاله تمرکز بحث بر روی یکی از این ابعاد یعنی بُعد اقتصادی تأثیرگذار بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با موضوع پیش‌رو می‌باشد.

۳-۱- شاخص‌های اقتصادی مؤثر بر امنیت ملی

از نظر برخی، تهدید اقتصادی، سخت‌ترین و پیچیده‌ترین شکل تهدیدها در چارچوب امنیت ملی است. در امنیت اقتصادی، مسئله اصلی آن است که وضعیت عادی بازیگران در اقتصاد بازار، رقابتی خطرآفرین، تهاجمی و مبهم را شامل می‌شود. بازار برای این که درست کار کند، همواره باید بازیگران فاقد کارایی را به ورشکستگی تهدید کند. به عبارت دیگر، بازیگران اقتصاد بازار باید احساس ناامنی کنند تا نظام، موجب تولید ثروت و رفاه شود. در قواعد طبیعی بازی در بازار، سلسله وسیعی از تهدیدهای اقتصادی رخ می‌دهد که آن قدر استثنایی نیستند تا عنوان تهدید امنیت ملی به خود گیرند، اما این که به طور دقیق در چه مرحله‌ای می‌توان به درستی مدعی شد که تهدید امنیت ملی پیش آمده است، موضوعی بسیار مشکل و سیاسی است. توجه به امنیت ملی به میزانی بیش از حد معقول، اغلب به افزایش دخالت دولت در اقتصاد منتهی شده و کارایی بازار را کاهش می‌دهد (Asarian Nejad, 2004: 45). کاهش درآمد ملی، تورم و بیکاری زمانی که در کشوری تداوم داشته باشد، حاکی از وجود مشکل در ساختارهای اقتصادی و نهایتاً سیاست‌گذاری‌های نادرست است که می‌تواند امنیت ملی کشورها را به خطر اندازد.

۳-۱-۱- درآمد ملی

درآمد ملی وسیله مؤثری برای اندازه‌گیری فعالیت اقتصادی یک جامعه و سنجش درجه رفاه اقتصادی مردم بوده و از این رو درآمد ملی را می‌توان به عنوان نماینده میزان رشد، توسعه و تا حدودی رفاه اقتصادی یک جامعه دانست (Tafazoli, 2002). افزایش درآمد ملی به معنی افزایش درآمد سرانه کشور و یا به عبارتی دیگر، کاهش مشکلات و معضلات اجتماعی بوده که این به مشروعیت بیشتر دولت در نزد آحاد جامعه کمک کرده و در نتیجه به ایجاد یک فضای امن و توأم با آرامش در جامعه می‌انجامد که این به معنی بالا رفتن امنیت ملی در بعد داخلی است. همچنین افزایش درآمد ملی به معنی افزایش توان اقتصادی در سطح منطقه و بین‌الملل بوده که این به معنی افزایش توان تأثیرگذاری بر معادلات منطقه‌ای و جهانی که این خود نیز تقویت‌کننده سطح و میزان امنیت ملی است. از طرفی دیگر، هر چه درآمد ملی یک کشور بیشتر باشد، توانایی آن کشور در افزایش بودجه نظامی بیشتر شده و این عاملی بازدارنده در برابر حملات احتمالی سایر رقبا به کشور مزبور است.

۳-۱-۲- بیکاری

بی‌گمان یکی از بزرگ‌ترین و فراگیرترین مشکل اقتصادی جوامع در حال حاضر بیکاری است. بیکاری علاوه بر این که قطع درآمد گروه بیکاران را به دنبال داشته، دارای تبعات اجتماعی مهمی نیز هست که می‌تواند عامل تقویت و یا منشا مفاسد اجتماعی بزرگی باشد و این خود به طور غیرمستقیم بر امنیت ملی کشور تأثیرگذار است (Akhavi, 1993). در نظریه پارسونز، یکی از عوامل عمده افزایش ناهنجاری‌ها که محل امنیت جامعه است، بیکاری بوده و نرخ افزایش آن، باعث بیشتر شدن عدم امنیت شغلی و اطمینان از تامین مخارج زندگی است که این باعث بروز اشکالات گسترده‌ای در جامعه می‌شود (Nabavi & et al, 2011). فرد بیکار حتی اگر پایبندی زیادی به اصول اخلاقی و انسانی هم داشته باشد، پس از مدتی استحاله شده و اینجاست که دیگر برای او ارزش‌ها معنا و مفهوم واقعی خود را از دست می‌دهند و حتی ممکن است به ضد ارزش بدل شوند. تهدید شدن ارزش‌های یک جامعه در واقع نقطه شروع به چالش کشیده شدن امنیت ملی است (Rahimi, 2007).

۳-۱-۳- تورم

تورم اثرات تعیین کننده‌ای بر توسعه، تولید و تجارت داشته و می‌تواند توسعه اقتصادی را با خطر جدی مواجه سازد. آثار زیانبار تورم تنها به کاهش قدرت رقابت تولیدات ملی در بازارهای داخلی و جهانی، کاهش صادرات و افزایش واردات و کسری بیشتر موازنه تجاری محدود نمی‌گردد، بلکه تورم دارای آثار منفی غیرقابل برگشتی بر تخصیص منابع و عوامل تولید دارد (Akhavi, 1993). پیشبرد اهداف اقتصادی و افزایش رشد تولید نیازمند کنترل تورم است و از همین روست که به صورت ویژه، کاهش منطقی آن در برنامه های اقتصادی مورد توجه قرار می‌گیرد. کاهش تورم نه تنها بر رشد و تولید تأثیرگذار بوده که بر میزان رضایتمندی عمومی هم بسیار مؤثر است. هر چه سطح قیمت‌ها پایین تر باشد، قدرت خرید جامعه بالاتر و به عبارتی دیگر میزان رفاه جامعه نیز بالاتر خواهد بود که این به تقویت بیشتر امنیت ملی کمک می‌کند (Negin & et al, 2012: 198-199).

۳-۲- بررسی وضعیت مهم ترین متغیرهای اقتصاد ایران

سند چشم‌انداز بیست‌ساله در افق ۱۴۰۴ یکی از اسناد مهم بالادستی در جمهوری اسلامی ایران است که جهت‌گیری‌های اساسی کشور در آن ترسیم شده است. هدف غایی ترسیم شده در این سند، دستیابی جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی است. برای دستیابی به جایگاه اول اقتصادی، ارتقاء قدرت و توان تولیدی اقتصاد کشور به صورت «پرشتاب و مستمر» مورد تأکید قرار گرفته است. مبتنی بر این سند، کشور برای دستیابی به این جایگاه می‌بایست بتواند معضلات و چالش‌های خود را بخصوص در سه حوزه مورد نظر یعنی بالا بردن درآمد ملی، کاهش نرخ بیکاری و کاهش نرخ تورم به عنوان شاخص‌های اساسی در اقتصاد حل و فصل نماید. بنابراین در این بخش وضعیت این سه شاخص در اقتصاد ایران مورد بررسی قرار گرفته است.

۳-۲-۱- وضعیت درآمدی ملی در اقتصاد ایران

بانک جهانی به‌عنوان یکی از منابع معتبر و بی‌طرف مهم‌ترین مشخصه‌های اقتصاد ایران را بخش‌های هیدروکربنی، کشاورزی و خدماتی و همچنین حضور چشمگیر دولت در بخش تولید و خدمات مالی می‌داند. ایران رتبه دوم ذخایر گاز طبیعی و چهارمین ذخایر اثبات شده نفت خام را در جهان دارد. در حالی که برای یک کشور صادرکننده نفت نسبتاً متنوع است، بانک جهانی ضمن انتشار روند سرانه تولید ناخالص داخلی ایران که در «نمودار شماره ۱» آورده شده است، فعالیت اقتصادی و درآمدهای دولت را همچنان متکی به درآمدهای نفتی ارزیابی کرده و بنابراین آن را دارای نوسان می‌داند. برنامه توسعه پنج ساله جدید در دست تهیه است. برنامه قلمی ۲۰۱۶-۲۰۲۱ تا ۲۰۲۱-۲۰۲۲ شامل سه محور توسعه اقتصاد مقاومتی، پیشرفت در علم و فناوری و ارتقای تعالی فرهنگی بود. اصلاح بنگاه‌های دولتی و بخش‌های مالی و بانکی و تخصیص و مدیریت درآمدهای نفتی از جمله اولویت‌های آن بود. در این طرح رشد اقتصادی سالانه ۸ درصد پیش‌بینی شده بود. شوک‌های خارجی، از جمله تحریم‌ها و نوسانات قیمت کالاها، باعث رکود یک دهه‌ای شد که در سال ۲۰۱۹-۲۰۲۰ به پایان رسید. انقباض بزرگ در صادرات نفت فشار قابل توجهی بر امور مالی دولت وارد کرد و تورم را برای چهار سال متوالی به بیش از ۴۰ درصد رساند. تداوم تورم بالا منجر به کاهش قابل توجهی در قدرت خرید خانوارها شد. در عین حال، ایجاد شغل برای جذب تعداد زیادی از تازه واردان جوان و تحصیل کرده به بازار کار ناکافی بود. طی دو سال گذشته، اقتصاد

چالش‌ها و پیامدهای اقتصادی نزدیکی عربستان سعودی و اسرائیل بر امنیت ملی ج. ا. ایران

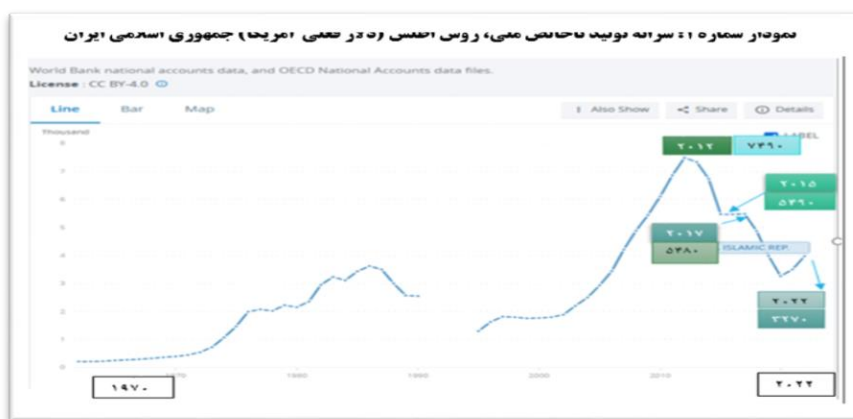
ایران با حمایت از بهبود خدمات پس از بیماری همه گیر، افزایش فعالیت بخش نفت و تطبیق اقدامات سیاسی، شروع به احیا کرده است. فعالیت‌های اقتصادی نیز با تحریم‌ها سازگار شده است، از جمله از طریق کاهش نرخ ارز که به کالاهای قابل مبادله تولید داخل کمک کرد تا قیمت‌ها در سطح بین‌المللی رقابت کنند (World Bank, 2022).

همان‌طور که در «نمودار شماره ۱» دیده می‌شود بانک جهانی آخرین گزارش خود را از وضعیت درآمد سرانه ملی (GNI)^۱، بر اساس روش اطلس (دلار فعلی آمریکا) ارائه نموده است. درآمد ناخالص ملی (GNI)^۲، که قبلاً به عنوان تولید ناخالص ملی (GNP) شناخته می‌شد، کل تولید داخلی و خارجی مورد ادعای ساکنان یک کشور است که شامل تولید ناخالص (GNP)، به اضافه درآمدهای عاملی که توسط ساکنان خارجی به دست می‌آید، منهای درآمد کسب شده در اقتصاد داخلی توسط افراد غیرمقیم (Todaro And Smith, 2012). بنابراین GNI به تدریج جایگزین GNP در آمارهای بین‌المللی شده است. در حالی که از نظر مفهومی یکسان است، ولی به گونه‌ای متفاوت محاسبه می‌شود (World Bank, 2022). همان‌طور که در تصویر مشاهده می‌شود روند GNI در ایران از ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۲ (۱۳۷۳-۱۳۹۰) به سبب ثبات نسبی در سیاست خارجی و روند معمول در سیاست‌های کشور با رشد مواجه است. اما از ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۵ (۱۳۹۰ تا ۱۳۹۳) که همراه با شروع تحریم‌های سخت آمریکا و به تبع آن نظام بین‌الملل علیه ایران بود این روند با شیب تند به سمت کاهش بود. در سال‌های بین ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷ که در واقع سال‌های امضاء و اجرای تعهدات برجامی از سوی دو طرف و گشایش‌های نسبی بود ما با توقف روند نزولی با شیب تند و حرکت به سمت افزایش نسبی و مجدد روند این شاخص همراه بودیم. اما با ورود ترامپ به کاخ سفید و عدم اجرای تعهدات برجامی از سوی آمریکا، مجدداً شاهد روند نزولی این شاخص هستیم.

¹ Gross National Income

² Gross National Product.

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام



(World Bank, 2022)

نرخ رشد تولید ناخالص داخلی ایران که تحت تحریم‌های ترامپ متضرر شده بود، در سال ۲۰۲۱ تا حدودی بهبود یافت که نشان‌دهنده افزایش رشد اقتصاد جهانی پس از سال اول همه‌گیری بود. این به دلیل افزایش صادرات نفت بود؛ زیرا جهان شروع به کاهش محدودیت‌های کویید-۱۹ در سال ۲۰۲۱ کرد. برای مقایسه، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی چین در سال ۲۰۲۱ برابر با ۸ درصد بود، در حالی که این نرخ ۵٫۴ درصد در OECD^۱ (پس از کاهش ۴٫۲ درصدی در سال ۲۰۲۰) و ۵٫۸ درصد در سطح جهانی (به دنبال کاهش ۳ درصدی در سال ۲۰۲۰) بود. تقاضای بالاتر برای نفت خام و قیمت‌های بالاتر (از ۴۲ دلار در هر بشکه در سال ۲۰۲۰ به ۷۱ دلار در سال ۲۰۲۱) منجر به افزایش درآمد صادرات نفت ایران شد. درآمدهای صادراتی نفت با رشد ۲۲۰ درصدی از رکورد تاریخی پایین ۷٫۹ میلیارد دلاری در سال ۲۰۲۰ به ۲۵٫۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۱ رسید. رقم اخیر قابل مقایسه با درآمدهای نفتی ایران در سال ۲۰۱۵، سال قبل از اجرای برجام است (Farzanegan, 2023).

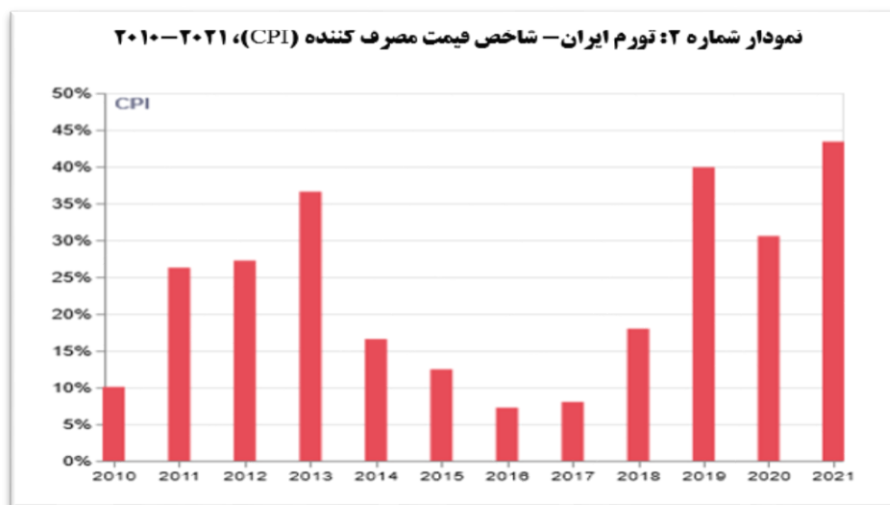
۲-۲-۳- وضعیت تورم در اقتصاد ایران

علیرغم بهبود جزئی درآمدهای ایران در سال ۲۰۲۱، اختلالات زنجیره تأمین ناشی از بیماری همه‌گیر و حمله روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲ منجر به تداوم تورم بالا در اقتصاد ایران شده است (نمودار شماره ۲ را ببینید). تغییر سالانه شاخص قیمت مصرف‌کننده که در سال‌های برجام تک

¹ The Organisation for Economic Co-operation and Development.

چالش‌ها و پیامدهای اقتصادی نزدیکی عربستان سعودی و اسرائیل بر امنیت ملی ج.ا.ایران

رقمی (یک تصویر نادر در ایران) بود (۷,۲ درصد در سال ۲۰۱۶ و ۹,۶ درصد در سال ۲۰۱۷)، در سال ۲۰۲۱ به ۴۳ درصد افزایش یافت و در سال ۲۰۲۲ با همچنان بالا بود (در ۴۲,۴ درصد). در سال ۲۰۱۹، سال قبل از همه‌گیری، نرخ تورم ۴۱ درصدی ایران ششمین از نظر بالاترین نرخ تورم در جهان بود (Farzanegan, 2023).



(World Bank, 2022)

در سال ۲۰۲۲، نرخ تورم ۴۲,۴ درصدی، ایران را در رتبه دهم جهان از نظر افزایش قیمت قرار داد. نرخ تورم ایران با درآمدهای نفتی کشور در ارتباط است. شوک‌های مثبت و منفی به رانت نفت منجر به افزایش تورم می‌شود. در صورت یک شوک مثبت، افزایش ناگهانی درآمد می‌تواند تأثیر تورمی مضر بر کشور داشته باشد (پدیده‌ای که توسط اقتصاددانان به عنوان «بیماری هلندی» شناخته می‌شود).

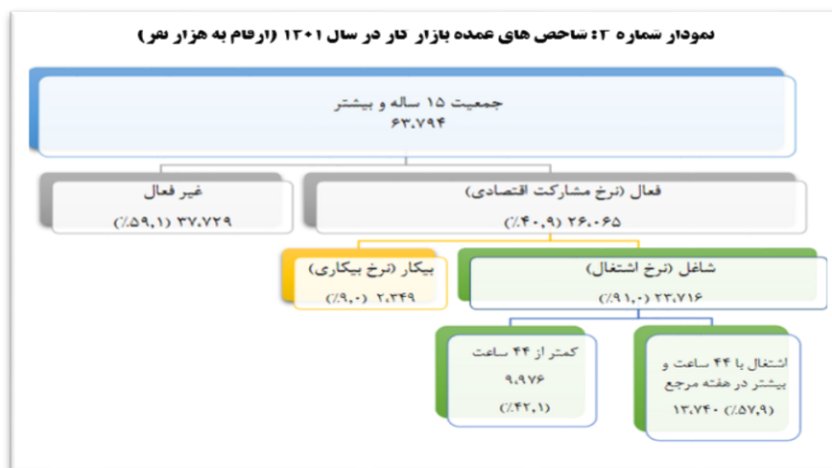
در مورد شوک‌های منفی (مانند شوک‌های ناشی از تحریم‌های نفتی یا همه‌گیری)، کسری بودجه دولت و استقراض از بانک مرکزی برای مقابله با کسری، منجر به افزایش عرضه پول و افزایش قیمت‌ها می‌شود. شوک‌های منفی قیمت همچنین منجر به فشار بیشتر برای کاهش یارانه‌ها و افزایش مالیات می‌شود که سپس به نرخ تورم بالاتر تبدیل می‌شود (Farzanegan and Markwardt, 2009).

۳-۲-۳- وضعیت نرخ بیکاری در اقتصاد ایران

رشد درآمدهای صادراتی نفت ایران در سال ۲۰۲۱ به میزان قابل توجهی به کاهش نرخ بیکاری منجر نگردید (نرخ بیکاری که در چند سال گذشته کم و بیش ثابت بوده است). در حالی که نرخ بیکاری در سال ۲۰۱۹ به میزان ۱۰,۷ درصد بود، در سال ۲۰۲۰ (سال اول همه گیری به اضافه تحریم ها) کمی بیش از یک درصد (به ۱۲ درصد) افزایش یافت و در سال ۲۰۲۱ به همان میزان (در ۱۱,۴ درصد) بالا ماند. بخش نفت فرصت های شغلی کمی را فراهم می کند و تنها تأثیر کوچکی در بالا و پایین کردن زنجیره تأمین (که به عنوان پیوندهای رو به جلو و عقب شناخته می شود) در بقیه اقتصاد دارد. نرخ بیکاری در ایران نسبت به سایر کشورهای مشابه مانند مصر (۹ درصد)، عربستان سعودی (۷ درصد)، پاکستان (۴ درصد) و نیجریه (۹,۷ درصد) بالاتر است. بیشترین عمق مشکل بازار کار در میان جوانان کشور (افراد ۱۵ تا ۲۴ ساله) که ۱۳ درصد از جمعیت را در سال ۲۰۲۱ تشکیل می دادند، قابل مشاهده است. مشکلی که منجر به توسعه خشونت در میان جوانان به عنوان محرک مهم بی ثباتی سیاسی است (Farzanegan and Witthuhn, 2017). توجه داشته باشید در کشورهای وابسته به درآمدهای نفتی به جهت این که بخش نفت چندان اشتغالزا نیست اغلب شاخص های بیکاری عدد بالایی بوده و جمعیت غیرفعال ولی دارای رفاه نسبی بالاست. بنابراین وجود آمار ۷ درصد بیکاری برای عربستان سعودی به عنوان یک کشور وابسته به اقتصاد نفتی شاید آمار دردآوری محسوب نگردد.

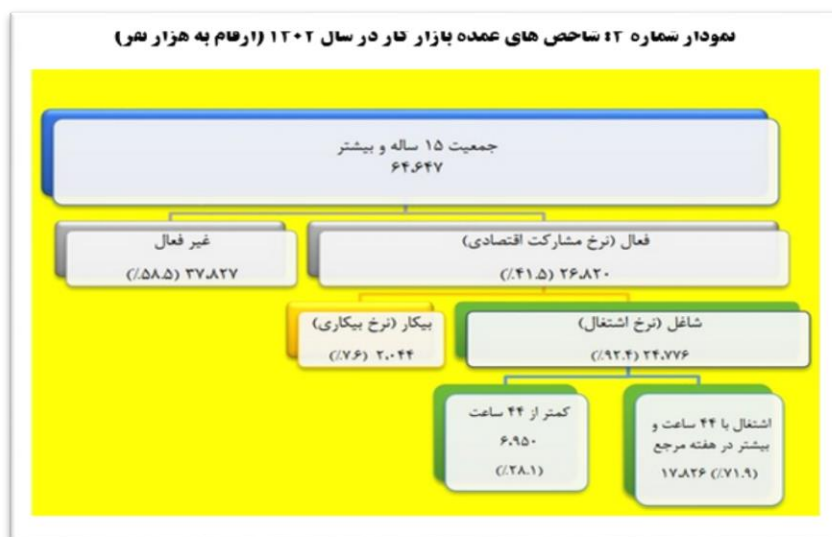
مرکز آمار نتایج طرح آمارگیری نیروی کار در سال ۱۴۰۱ را منتشر کرد. بررسی نرخ بیکاری افراد ۱۵ ساله و بیش تر نشان می دهد که ۹ درصد از جمعیت فعال (شاغل و بیکار)، بیکار بوده اند. بررسی روند تغییرات نرخ بیکاری حاکی از آن است که این شاخص، نسبت به سال قبل (۱۴۰۰)، ۰,۲ واحد درصد کاهش یافته است (نمودار شماره ۳).

چالش‌ها و پیامدهای اقتصادی نزدیکی عربستان سعودی و اسرائیل بر امنیت ملی ج.ا.ایران



(مرکز آمار ایران، ۱۴۰۱)

مرکز آمار همچنین نرخ بیکاری جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر در پاییز ۱۴۰۲ را ۷,۶ درصد اعلام کرد. این بدین معناست که در مقایسه با سال ۱۴۰۱ این شاخص یعنی نرخ بیکاری جمعیت فعال به میزان ۱,۴ درصد بهبود داشته است (نمودار شماره ۴).



(مرکز آمار ایران، ۱۴۰۲)

همان‌طور که مشاهده می‌گردد، بررسی آخرین آمارهای ارائه شده از سوی مرکز آمار ایران در دو سال اخیر نشانه‌هایی از بهبود نسبی در میزان اشتغال دارد. اتمام بحران کوید ۱۹ از یک سو و همچنین اشتغال‌زا نبودن رونق یا عدم رونق در بخش نفت را می‌توان به‌عنوان عامل مهم در عدم اطمینان به این آمارها به‌عنوان شاخصی برای نشان دادن بهبود رفاه در کشور دانست. باید این مسأله را نیز در نظر داشت فشارهای اقتصادی ناشی از بخش درآمد کل کشور که تا حدود زیادی به درآمدهای حاصل از نفت و صادرات در کشور وابسته است، موجب آن شده است که دولت توان اعطای حقوق مکفی به بخش شاغل و سرپرستان خانوار را نداشته و اعضای غیرفعال خانواده‌ها مجبور به ایجاد راهکارهایی جدید برای اشتغال و کسب درآمد برای امرار و معاش باشند و این خود یکی از دلایل بهبود نسبی اشتغال در کشور می‌تواند قلمداد گردد.

۴- عادی سازی روابط عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی؛ توقف یا ادامه عادی سازی

در واکنش به حملات ۷ اکتبر و بمباران و تهاجم متعاقب آن به نوار غزه، اکثر رسانه‌ها و اندیشکده‌ها به این نتیجه رسیدند که حماس جنگ را آغاز کرده تا مسیر عادی سازی بین عربستان سعودی و اسرائیل را قطع کند. پیش از حمله حماس، محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان سعودی محمد بن سلمان گفته بود که کشورش به‌طور پیوسته در جهت عادی سازی روابط با اسرائیل حرکت می‌کند. به نوبه خود، اسرائیلی‌ها نیز مشتاق بودند که این روند را ادامه دهند. در حالی که رهبری حماس می‌ترسید عادی سازی اسرائیل با سعودی‌ها باعث انزوای بیشتر حماس از جهان عرب شود. با این حال، با توجه به درگیری مرگبار بیش از ۲۴۰ روزه در غزه تاکنون و با توجه به نزدیک شدن به ۳۷۰۰۰ کشته غیرنظامی فلسطینی (آخرین آمار تا لحظه نگارش این مقاله)، در حال حاضر عربستان سعودی - که سابقه عمیقی در حمایت از فلسطینی‌ها دارد - به دنبال هر نوع شهرک سازی توسط اسرائیل تحت فشار شدید قرار دارد. در عوض، سعودی‌ها بر لزوم تأمین حقوق فلسطینیان قبل از امضای هرگونه توافق صلح با دولت یهود توسط ریاض تأکید کرده‌اند. در خصوص سیاست محمد بن سلمان در قبال درگیری در ۲۰ سپتامبر ۲۰۲۳، او مصاحبه‌ای با فاکس نیوز انجام داد و در آن موضوعات مختلفی از جمله سیاست عربستان در مورد اسرائیل را مورد بحث قرار داد. به‌طور

خلاصه، او اعلام کرد که چشم‌انداز عادی‌سازی روابط بین دو کشور هر روز نزدیک‌تر می‌شود، اگرچه او مراقب بود که تأکید کند حقوق فلسطینیان باید تضمین شود. سعودی‌ها قرار نبود موقعیت دیپلماتیک و معنوی کشورشان در جهان اسلام را بیهوده به خطر بیندازند. محمد بن سلمان به جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا، در جریان گفتگوی خود با کاخ سفید در ۲۵ اکتبر در مورد جنگ غزه، نیاز به «بازیابی مسیر صلح برای اطمینان از دستیابی مردم فلسطین به حقوق مشروع خود» و همچنین «دستیابی به صلح [اسرائیلی-فلسطینی] عادلانه و جامع» را ابراز کرد. واضح است که فلسطینیان این انتخاب را دارند که راه خود را با اسرائیل به‌عنوان یک کشور مستقل دنبال کنند. نماینده رسمی فلسطینی‌ها، تشکیلات خودگردان فلسطین در رام‌الله است که روابط خوبی با ریاض دارد. در واقع، هنگامی که جنگ کنونی آغاز شد، محمود عباس، با ولیعهد سعودی تماس گرفت تا درباره تشدید تنش نظامی در غزه و سرزمین‌های اشغالی گفتگو کند و همچنین او را در مورد وخامت سریع اوضاع انسانی و خطراتی که درگیری برای امنیت و ثبات در منطقه و امنیت گسترده‌تر ایجاد می‌کند، آگاه کند. واشنگتن خود همان پیش‌شرط‌هایی را اتخاذ کرده است که ریاض (و رام‌الله) داشتند. بنابراین، در مذاکرات با اسرائیل برای حل مناقشه، ایالات متحده بر یک «جزء مهم فلسطینی» اصرار دارد که عربستان سعودی را راضی کند و برای تشکیلات خودگردان فلسطین و سازمان آزادیبخش فلسطین قابل قبول باشد. مقامات در رام‌الله مایل به امضای قرارداد صلحی با اسرائیل است که شامل به رسمیت شناختن متقابل است و اگر محمد بن سلمان موفق شود اسرائیل را برای به رسمیت شناختن فلسطین به عنوان یک کشور، مطابق با تعهدات اسرائیل در توافقنامه اسلو تحت فشار قرار دهد، نام او به دلیل کمک به حل بخش قابل توجهی از درگیری اعراب و اسرائیل در تاریخ خواهد ماند.

وقوع حملات ۱۷ اکتبر و پیامدهای آن بر اسرائیل از یک طرف و همچنین افکار عمومی جهانی و فشارها بر دولت‌های غربی برای پیشبرد راه حل دو کشوری محمد بن سلمان را در مذاکرات آتی برای عادی‌سازی در موقعیت مناسب‌تری برای تبدیل شدن به یک منجی برای جهان عرب قرار داده است. مانع اصلی این نگرش، دولت کنونی اسرائیل است که آشکارا با راه حل دودولتی مخالف است.

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

موضع مستحکم اسرائیل به توانایی این رژیم برای ادامه مذاکرات دوجانبه جداگانه با کشورهای عربی بستگی دارد. در جستجوی یک توافق دوجانبه با عربستان سعودی، اسرائیل تلاش می‌کند تا اطمینان حاصل کند که هیچ طرف ثالثی (یعنی فلسطینی‌ها) در هیچ توافق احتمالی دخالت نمی‌کنند. اسرائیلی‌ها ممکن است در مورد مسئله فلسطین وعده‌های شفاهی به سعودی‌ها بدهند، احتمالاً با استفاده از زبان پیچیده‌ای که از جاه‌طلبی‌های اسرائیل محافظت می‌کند. با این حال، سعودی‌ها می‌خواهند وضعیتی را ببینند که در آن فلسطینی‌ها احساس کنند آماده هستند تا با وعده‌های (مشروع) اسرائیل موافقت کنند تا به ریاض اجازه دهند از ورود مجدد در میان تنش‌های بیشتر بین اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها خودداری کنند. در همین حال، محمد بن سلمان به دنبال بالاترین سود از توافق با ایالات متحده است، نه اسرائیل، که چیز زیادی برای آوردن روی میز ندارد. بنابراین، رهبر عربستان بر واشنگتن تمرکز می‌کند و سطوحی از تضمین‌های امنیتی، از جمله تسلیحات پیشرفته و فناوری نظامی، را از طرف آمریکایی طلب می‌کند که عربستان سعودی تا به امروز از آن برخوردار نبوده است. البته تعامل عربستان در مذاکرات با اسرائیل تضمینی برای دستیابی به توافق نهایی نیست. اما شایان ذکر است که قبل از شروع جنگ در غزه، محمد بن سلمان با موفقیت دولت بایدن را به سمتی سوق داده بود که دستور کار او را تقویت کند. مشخصاً، برت مک گورک، هماهنگ‌کننده خاورمیانه کاخ سفید، ماه‌ها برای میانجی‌گری توافق‌نامه‌های اقتصادی و امنیتی کار می‌کرد که یخ روابط بین عربستان سعودی و اسرائیل را آب کند. اولین گام و بدون قید و شرط در آغاز این مذاکرات، بایدن را ملزم می‌کرد که بی‌سر و صدا از قول مبارزات انتخاباتی خود برای تبدیل پادشاهی سعودی به یک «پادشاهی منفور و منزوی» صرف نظر کند. در حالی که هیچ یک از اعضای اصلی سلطنتی سعودی در سه سال اول ریاست جمهوری بایدن به واشنگتن سفر نکرده‌اند، در ۳۰ اکتبر ۲۰۲۳، سفر خالد بن سلمان، وزیر دفاع عربستان سعودی به پایتخت ایالات متحده - اگرچه به وضوح در چارچوب جنگ غزه اتفاق افتاد - با این وجود گامی حیاتی در روابط دوجانبه بود. وزیر دفاع، عالی‌ترین مقام سعودی بود که از زمان روی کار آمدن دولت بایدن به واشنگتن سفر کرده است. تیم بایدن به سرعت در حال تغییر موضع دادن برای دستیابی به توافقی هستند که رئیس‌جمهور کنونی می‌تواند پیش از انتخابات ۲۰۲۴ به عنوان یک پیروزی سیاست خارجی در خاورمیانه به آن اشاره کند. پیروزی که به اندازه توافق‌نامه آبراهام، اگر نه بیشتر، مهم است، و در دولت دونالد ترامپ،

چالش‌ها و پیامدهای اقتصادی نزدیکی عربستان سعودی و اسرائیل بر امنیت ملی ج.ا.ایران

رئیس‌جمهور اسبق آمریکا به دست آمد. بنابراین، بایدن و مقامات او برخی از شعارهای ضد سعودی را که در مبارزات انتخاباتی سال ۲۰۲۰ به کار برد، به طور محسوسی پس گرفته‌اند. اما حتی اگر این تلاش‌ها به دلیل جنگ غزه بی‌نتیجه باشد، برخی از ناظران استدلال می‌کنند که در این مرحله، محمد بن سلمان ممکن است قبلاً به آنچه «عادی‌سازی» روابط با کاخ سفید- می‌خواست قبل از درگیر شدن در مذاکرات رسیده باشد.

با این حال، جنگ اخیر در غزه، بازی سیاسی در خاورمیانه را آشفته و پیچیده‌تر کرده است. از ۷ اکتبر، اکثر جلسات توجیهی اتاق فکر و گزارش‌های رسانه‌ای به توافق احتمالی بین عربستان سعودی و اسرائیل به عنوان دلیل اصلی آغاز جنگ توسط حماس اشاره کرده‌اند. به گفته متیولیت^۱، از مؤسسه واشنگتن، عاملی که رهبری حماس را برای انجام حمله شدید تشدیدکننده خود برانگیخت، در درجه اول مانع تراشی در تلاش‌های دیپلماتیک اسرائیل با عربستان سعودی بود. حماس مطمئن بود که چنین توافق عادی‌سازی مسئله فلسطین را از سرلوحه برنامه‌های اکثر کشورهای عربی و اسلامی خارج خواهد کرد. علاوه بر این، عادی‌سازی مورد انتظار می‌توانست یک اتحاد مؤثر منطقه‌ای علیه ایران و متحدانش از جمله حماس و حزب الله را تقویت کند. نگرش عربستان نسبت به جنگ کنونی از دیدگاه آن‌ها متعادل است. از یک سو، ریاض به وضوح طرفدار حماس نیست. اما از سوی دیگر، دولت سعودی به طور قاطع و صریح حمله و محاصره گسترده غزه را که اسرائیل در پاسخ به ۷ اکتبر انجام داده است، محکوم کرده است.

در آخرین اظهارات، شاهزاده فیصل بن فرحان آل سعود، وزیر امور خارجه عربستان سعودی در مصاحبه‌ای با شبکه خبری سی ان ان گفت: عربستان سعودی روابط خود را با اسرائیل عادی نمی‌کند مگر این که مسئله فلسطین حل شود. او گفت؛ «ما به ثبات نیاز داریم و ثبات تنها از طریق حل مسئله فلسطین حاصل می‌شود» (Rania Abu Shamala, 2024).

با ادامه جنگ، سعودی‌ها به شدت با تهاجم زمینی اسرائیل به غزه مخالفت می‌کردند، که ریاض مرتباً استدلال می‌کرد، دستیابی به توافق صلح بین عربستان سعودی و اسرائیل را اگر نگوییم غیرممکن، دشوارتر خواهد کرد. در ۱۱ نوامبر، عربستان سعودی میزبان نشست مشترک فوق العاده سازمان همکاری اسلامی (OIC) و اتحادیه کشورهای عربی بود. موفقیت پادشاهی در سازماندهی

^۱ Matthew Levitt

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

اجلاس سران OIC و اتحادیه عرب، که رهبران و نمایندگان بیش از ۹۰ کشور را ظرف دو روز پس از اعلام دعوت در ریاض گرد هم آورد، نشان دهنده قدرت دیپلماسی سعودی در لحظه کنونی است.^۱ این موفقیت باید موضع عربستان را در هر گونه مذاکرات آتی با اسرائیل، در صورتی که اجازه داده شود در آینده نزدیک انجام شود، تقویت کند.

محمد بن سلمان پس از کسب تجارب متعدد در ایجاد جنگ مستقیم و نیابتی با ایران و همچنین ایجاد روابط یک سویه با آمریکا، علاقه‌ای به تنش‌های فراملی با همسایگان ندارد. او با توجه به بلندپروازی‌هایی از جنس اقتصادی که در سر می‌پروراند یک سیاست درگیری صفر را در پیش گرفته است که در اوایل سال جاری حتی به پذیرش احیای روابط دیپلماتیک با ایران نیز کشیده شده است. علاوه بر این، او همچنین در همین راستا نگرش مثبتی نسبت به دستیابی به توافق صلح با اسرائیل ابراز کرده است. با این حال، اسرائیل ایران نیست—در حالی که روابط با ایران عمدتاً تحت سلطه مسائل مشترکی است که ریاض و تهران قادر به حل آن‌ها به تنهایی هستند، مورد اسرائیل شامل موضوعات فراملی متعددی است که فراتر از روابط کاملاً دوجانبه است. مسئله فلسطین، به‌ویژه، موضوعی حیاتی برای یک کشور پیش‌رو عرب مسلمان مانند عربستان سعودی است. بنابراین، ریاض باید تحرکات خود را در مورد هر موضوع داخلی، منطقه‌ای یا بین‌المللی که می‌تواند بر آن تأثیر بگذارد یا تحت تأثیر قرار گیرد، به صورت استراتژیک محاسبه کند. بنابراین، عربستان سعودی احتمالاً به دنبال به تعویق انداختن عادی‌سازی روابط با اسرائیل تا زمانی که دستاوردهای معقول برای فلسطینیان تضمین شود، خواهد بود. در عین حال، ایالات متحده همچنان تأمین‌کننده اصلی تسلیحات و فناوری نظامی پادشاهی سعودی است که برای حفظ ثبات منطقه و بازدارندگی ایران و نیروهای نیابتی آن حیاتی است. بنابراین، ایران به عنوان کشوری که از هر گونه توافق احتمالی میان ریاض و تل‌آویو متأثر خواهد شد، می‌بایست سعی نماید بخشی از پروژه محدودسازی اسرائیل به واسطه عربستان سعودی بوده و از ایجاد تنش در روابط خود با کشورهای عربی منطقه و سوق دادن آن‌ها به سمت اسرائیل امتناع ورزد. چرا که در چنین سناریویی اسرائیل خواسته‌هایی از جنس همراهی

^۱ For More Information See; The joint extraordinary Arab and Islamic Summit, (2023/Nov/11).

“Joint Arab and Islamic Summit Concludes and Demands End to Israeli Aggression, Breaking of Israeli Siege on the Gaza Strip and Prosecution of Israel for its Crimes”. Organisation of Islamic Cooperation.

برای تحت فشار قرار دادن اقتصاد ایران از عربستان را ارائه خواهد کرد. در چنین شرایطی عادی سازی روابط عربستان سعودی با اسرائیل چنانچه با تنش نیز همراه باشد بدون شک چالش‌ها و پیامدهای منفی را بر امنیت ملی دو طرف به‌ویژه در ابعاد اقتصادی برای جمهوری اسلامی ایران در بر خواهد داشت. از جمله این چالش‌های اقتصادی می‌توان به مواردی به شرح ذیل اشاره کرد؛

۴-۱- افزایش هزینه‌های اقتصادی نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران

افزایش هزینه‌های اقتصادی حضور منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران یکی از مهم‌ترین چالش‌ها و پیامدهای منفی همکاری عربستان و اسرائیل می‌باشد. در یک نمونه موردی و تاریخی می‌توان به پیروزی حماس در انتخابات پارلمانی فلسطین در سال ۲۰۰۶ اشاره کرد. اغلب کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به‌ویژه عربستان، بیشتر مایل بودند که حماس خط‌مشی خود را از مقاومت به سمت مذاکره و شناسایی اسرائیل تغییر دهد اما این خواسته آن‌ها محقق نشد. در جریان جنگ ۲۲ روزه غزه نیز سران سعودی در قبال حملات اسرائیل به غزه سکوت کردند و حتی گزارش‌ها و نشانه‌هایی از خشنودی سعودی‌ها از این حمله آشکار شد (Niakoyi & Sotodeh, 2016: 100). به دلیل تنگناهای مالی ایجاد شده از سوی کشورهای غربی و عربی به‌ویژه عربستان برای جنبش حماس این جنبش به دریافت کمک‌های مالی از ایران متمایل گردید و ایران کمکی به ارزش ۲۵۰ میلیون دلار در اختیار حماس قرار داد (Naderinasab, 2011: 329). قانداً در جنگ اخیر نیز در صورت ادامه تنش‌های بعد از آن بار مالی فراوانی برای ایران به همراه خواهد داشت بخصوص اگر دامنه جنگ گسترده‌تر گردد.^۱

بی‌شک ادامه همکاری‌ها میان عربستان و اسرائیل در شرایط کنونی اقتصاد ایران که به شدت تحت تحریم حداکثری از سوی ایالات متحده است منجر به تحمیل هزینه‌های اقتصادی بیشتر برای حفظ متحدین منطقه‌ای‌اش خواهد شد و اصرار ایران بر ادامه کمک‌ها با وجود مشکلات و هزینه‌های داخلی‌اش عمیق‌تر شدن بحران اقتصادی را در این کشور به همراه خواهد داشت.

¹ For information on the financial burden of Hamas on Iran, refer to: Mohammad Salami. (November 1, 2023). "Gaza War Puts New Strain on Iran's Economy". Middle East & North Africa. Available at: <https://www.stimson.org/2023/gaza-war-puts-new-strain-on-irans-economy/>.

این در واقع یکی از سیاست‌های راهبردی عربستان و اسرائیل در راستای هزینه‌بر کردن حضور منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران است که می‌تواند به صورت غیرمستقیم هزینه‌ها و چالش‌های داخلی دیگری را برای ایران به همراه داشته باشد. دامن زدن به شورش‌ها و اعتراض‌های خیابانی در عراق و لبنان در اکتبر ۲۰۱۹، به عنوان کشورهایی که جمهوری اسلامی ایران در آنجا از نفوذ قابل توجهی برخوردار است را نیز می‌توان در این راستا تحلیل نمود.^۱ نیویورک تایمز با انتشار تحلیلی، شکل‌گیری چنین شورش‌هایی در عراق و لبنان را قرار گرفتن منافع ایران در حالت ریسک بیان می‌نماید. در این تحلیل آمده است که اگر معترضین موفق شوند ارتباط دولت مردان و احزاب قوی در این کشورها با ایران را قطع نمایند خواهند توانست دهه‌ها سرمایه‌گذاری سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی ایران را به عنوان یکی از قدرتمندترین کشورهای خاورمیانه از بین ببرند (Fassihi, 2019).

۲-۴- کاهش مبادلات اقتصادی ایران با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس

با توجه به روابط موجود بین ایران و غرب و به ویژه متحد منطقه ای آن‌ها اسرائیل، حرکت کشورهای عربی به سمت اتحاد و یا عادی سازی روابط با اسرائیل همواره به منزله دوری از ایران تلقی شده و با تبعاتی از جمله کاهش سطح روابط با این کشورها و متعاقب آن کاهش مبادلات اقتصادی ایران با گروه کشورهای عضو شورای خلیج فارس خواهد بود.

اغلب کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس (GCC) که پیرو سیاست‌های عربستان سعودی و در سطحی بالاتر ایالات متحده آمریکا هستند در حال همسویی با عربستان برای عادی سازی روابط با اسرائیل می‌باشند. امارات و بحرین در یک اقدام پیش دستانه بر اساس پیمان ابراهیم این تصمیم را قبل از شروع جنگ غزه عملیاتی نمودند. در نتیجه این تصمیمات و با توجه به تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران، این کشورها به شدت همکاری‌های خود را بخصوص در مبادلات تجاری با ایران کاهش داده‌اند و این بدین معنا خواهد بود که مبادلات تجاری ایران با کشورهای

^۱ جهت مطالعه در زمینه نقش مشترک عربستان، اسرائیل و آمریکا در شورش‌های عراق ر. ک. به:

Elijah J. Magnier. (2019). Lebanon and Iraq Protesters, the US, Israel and Saudi Arabia Are Fed Up with Iran. Global Research.

چالش‌ها و پیامدهای اقتصادی نزدیکی عربستان سعودی و اسرائیل بر امنیت ملی ج. ا. ایران

حوزه خلیج فارس که نزدیک به ۹۰ درصد آن از طریق امارات متحده عربی انجام می‌گرفت در صورت تداوم تنش در روابط ایران و آمریکا- علی‌رغم برخی سیگنال‌های مسالمت‌جویانه از سوی کشورهای عرب حوزه خلیج فارس- همچنان در وضعیت نامطلوبی قرار خواهد گرفت.^۱

منطقه شورای همکاری خلیج فارس در حال تبدیل شدن به مکانی پرسود برای انجام امور تجاری صاحبان شرکت‌ها، بانک‌ها و مدیران ثروت است. ثروت عظیمی توسط خانوارهای ثروتمند این منطقه به صورت خصوصی نگهداری می‌شود که در این میان، ۷۴ درصد این ثروت‌ها متعلق به خانوارهای اماراتی و سعودی است (Maceda, 2015). علاوه بر ثروت‌های بخش خصوصی، درآمدهای حاصل از نفت در این منطقه دولت‌های ثروتمندی را به وجود آورده است که کشورهای زیادی را به سمت برقراری روابط تجاری پر منفعت با این کشورها سوق داده است. در این میان ایالات متحده آمریکا یکی از مهم‌ترین کشورهایی است که به انحاء مختلف در حال بهره بردن از آن می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران در همسایگی این کشورها با داشتن ظرفیت‌های فراوان برای استفاده از این فرصت‌ها، با اتخاذ سیاست‌های درست می‌توانست سهم به‌سزایی از این منافع را برای خود داشته باشد، اما تحولات سال‌های اخیر در منطقه، نه تنها به نزدیکی روابط نینجامیده است؛ بلکه به‌گونه‌ای پیش رفته است که این کشورها را به سمت برقراری روابط نزدیک با اسرائیل با حمایت‌گری آمریکا سوق داده است. این دقیقاً مغایر با اهداف امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بوده و این نه تنها می‌تواند مانع تحقق پیش‌بینی‌های صورت گرفته در مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی در اتاق بازرگانی ایران شود، بلکه می‌تواند به تشدید وضعیت بد اقتصادی در ایران نیز کمک نماید.

۳-۴- هم‌افزایی در تشدید تحریم‌های بین‌المللی و فشارهای اقتصادی

در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور به‌عنوان یک سند راهبردی، بر دستیابی به جایگاه اول اقتصادی، ارتقاء قدرت و توان تولیدی اقتصاد کشور به صورت «پرشتاب و مستمر» تأکید شده است. مبتنی بر این سند کشور برای دستیابی به این جایگاه می‌بایست بتواند معضلات و چالش‌های خود را بخصوص در سه حوزه درآمد ملی، کاهش نرخ بیکاری و کاهش نرخ تورم به‌عنوان شاخص‌های

¹ For More Information See; Zweiri M & Abusharar N. (2022). "Iran's Trade with Neighbors: Sanctions' Impact and the Alternatives". Middle East Policy. Volume 29, Issue 4, Pages 60-70; See Also; Vaisi, R. (2020). "Iran, the GCC, and the failure of HOPE". Middle East Institute.

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

اساسی در اقتصاد حل و فصل نماید. اعمال تحریم‌های بین‌المللی از مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی این هدف بوده و به شدت در حال دور کردن کشور از بهبود این شاخص‌هاست، به گونه‌ای که درآمدهای نفتی و متعاقب آن درآمد ملی کشور به شدت کاهش یافته است، نرخ بیکاری در حال افزایش و نرخ تورم سیری صعودی دارد.

در این میان همکاری و هم‌سویی دیگر کشورها بخصوص کشورهای همسایه و هم‌جوار ایران از جمله عربستان سعودی و کشورهای عرب حوزة خلیج فارس می‌تواند به هم‌سویی و هم‌افزایی در تشدید تحریم‌های بین‌المللی بر ایران بیفزاید. در یک نمونه موردی می‌توان به نوسانات در قیمت نفت اشاره کرد که با توجه به جایگاه کشورهای عربی در این حوزة از یک سو و از سوی دیگر وابستگی اقتصاد تحت تحریم ایران به اندک صادرات نفت خود با قیمت مناسب، از اهمیت و تأثیرگذاری بالایی برخوردار می‌باشد. عربستان سعودی در سال‌های مذاکرات برجام ثابت کرد که با برآه انداختن جنگ قیمت‌ها از توانایی لازم برای ضربه زدن به منافع اقتصادی و ملی ایران برخوردار می‌باشد.^۱

در طرف دیگر لابی سعودی در آمریکا نیز با اتکا بر دلارهای نفتی از جایگاه ممتازی برخوردار است. واشنگتن پست در گزارشی تحت عنوان «ماشین اعمال نفوذ و لابیگری عربستان سعودی در آمریکا» نوشت: ماه مارس سال ۲۰۱۸ سفیر عربستان سعودی در واشنگتن گروهی از لابی‌گرهای حرفه‌ای و بسیار گران‌قیمت را به دفتر کارش در واشنگتن فرا خواند تا از آن‌ها برای مقابله با یک چالش دوطرفه و حساس کمک بگیرد. محمد بن سلمان ولیعهد سعودی در آن زمان با گذشت تنها چهار ماه از تحکیم پایه‌های قدرتش پس از صدور دستور بازداشت برخی اعضای خاندان سلطنتی و تاجر ثروتمند، خود را برای نخستین سفر رسمی به آمریکا آماده می‌کرد. هم‌زمان کنگره در حال رأی‌گیری درخصوص قطعنامه‌ای با هدف پایان دادن به حمایت آمریکا از حملات نظامی و بمباران‌های سعودی در یمن بود که از سال ۲۰۱۵ ده‌ها هزار غیرنظامی را به کام مرگ کشیده است. (Radio and Television News Agency quoted from Washington Post, 30 October 2017).

^۱ برای مطالعه بیشتر درباره جنگ نفتی میان ایران و عربستان سعودی رجوع کنید به:

See; Anisesh Bassiri Tabrizi, (2016). "The 'Oil War' between Iran and Saudi Arabia". *RUSI*.
See also; Saeed Mirtorabi, (2019). "Saudi Arabia's Aggressive Oil Policy against Iran (2011-2016)". *Journal of world Sociopolitical Studies*. Volume 3, Issue 1, Pages 199-232.

همچنین در این مسیر نباید از نقش و نفوذ لابی اسرائیلی غفلت نمود. اسرائیلی‌ها در دوره‌های مختلف ریاست جمهوری در آمریکا از بوش گرفته تا دولت ترامپ (و دولت کنونی بایدن) به شدت برای درگیر کردن آمریکا برای جنگ با ایران و فشارهای اقتصادی بر آن تلاش کرده‌اند. برگمن و مازتی^۱ در این باره مقاله‌ای را با عنوان «تاریخ پنهان از فشارها علیه ایران» در مجله نیویورک تایمز به چاپ رسانده‌اند که از اقدامات پشت پرده‌ای سخن می‌گوید که اشاره به تلاش‌های اسرائیلی‌ها برای درگیر کردن آمریکا در جنگ علیه ایران دارد. آن‌ها حتی برای نشان دادن عمق نفوذ اسرائیلی‌ها می‌گویند: «... دو متحد محکم (آمریکا و اسرائیل) برای جاسوسی از یکدیگر و نبردی درباره این که چه کسی در نهایت می‌تواند سیاست خارجی آمریکا را شکل دهد، درگیر هستند.» (Bergman and Mazzetti, 2019). بنابراین تجمیع ظرفیت‌های لابی‌گری از سوی دوطرف در آمریکا می‌تواند تبعات جبران‌ناپذیری را برای ایران داشته باشد.

نتیجه‌گیری

در یک نتیجه‌گیری کلی و تطبیق شاخص‌های اقتصادی مطرح شده با وضعیت شاخص‌های اقتصادی در ایران می‌توان به این نتیجه ملموس دست یافت که جمهوری اسلامی ایران از سال ۲۰۱۲ تاکنون نزدیک به یک دهه در بهبود نسبی شاخص‌هایی چون درآمد ملی، رفع بیکاری و تورم به گونه‌ای که موجب رفاه و بهبود شرایط زندگی گردد ناکام بوده است. مصادف بودن این ناکامی در بهبود شاخص‌ها با فراز و فرودهای بحران‌های سیاسی از جمله تحریم‌های بین‌المللی و تنش‌های منطقه‌ای برای جمهوری اسلامی ایران، نشان دهنده وجود یک ارتباط معنادار و مستقیم میان این دو پدیده اقتصادی و سیاسی و نهایتاً تأثیرگذاری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است. جمهوری اسلامی ایران با چشم‌پوشی معنادار از توجه به روند توسعه متوازن در ابعاد مختلف و تمرکز ویژه به مقوله کسب امنیت تا حدودی از توجه به امر توسعه در حوزه اقتصادی صرف نظر نموده است. اگر چه اتخاذ چنین رویکردی نه از روی اختیار بلکه بر اثر تحریم و فشارهای بین‌المللی صورت گرفته است، لیکن تداوم این شرایط در کنار همکاری‌ها و ائتلاف‌سازی‌های رقابتی منطقه‌ای و بین‌المللی می‌تواند جمهوری اسلامی ایران را با چالش‌های جدی مواجه نماید. پیگیری روند عادی‌سازی روابط

¹ Ronen Bergman and Mark Mazzetti

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

میان عربستان سعودی به عنوان رقیب و گاهاً در نقش دشمن و رژیم صهیونیستی به عنوان دشمن قطعی یکی از این روندهای سیاسی تأثیرگذار است.

می‌توان نشان داد که شاخص‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد ابتکار اسرائیل برای ایجاد یک اتحاد استراتژیک با کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس علی‌رغم وقوع شکاف‌ها و تردیدهای جدی بعد از حملات ۱۷ اکتبر با حمایت‌گری ایالات متحده آمریکا می‌تواند در آینده‌ای محتمل و قابل پیش‌بینی در خصوص عربستان سعودی نیز به وقوع بپیوندد. اجرای احتمالی چنین اتحادی می‌تواند چالش‌ها و پیامدهای عمده‌ای را برای جمهوری اسلامی ایران به همراه داشته باشد. با توجه به این که عربستان سعودی یکی از مهم‌ترین رقبای منطقه‌ای و رژیم صهیونیستی نیز اصلی‌ترین دشمن ایران محسوب می‌شوند، عادی‌سازی روابط ریاض با تل‌آویو در ادامه عادی‌سازی امارات و بحرین، برای جمهوری اسلامی ایران اهمیت زیادی دارد. این فرآیند با توجه به سیاست‌ها و منطق‌گفتمانی جمهوری اسلامی ایران بیش از آن که برای ایران یک فرصت باشد، یک تهدید است. تهدیدی که با هم‌افزایی و ایجاد اجماع میان ظرفیت‌های سعودی-عبری با پشتیبانی آمریکا، می‌تواند در سه حوزه اقتصادی، سیاسی و نظامی-امنیتی، امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را تحت تأثیر قرار دهد. فارغ از سناریوهای احتمالی روند عادی‌سازی میان سعودی‌های و رژیم صهیونیستی که حاکی از قطعیت در تلاش دو طرف برای رسیدن به این توافق است، می‌تواند چالش‌ها و پیامدهای مهمی را بخصوص در حوزه اقتصادی برای جمهوری اسلامی ایران به همراه داشته باشد. حوزه اقتصادی یکی از ابعاد موسع امنیت در چارچوب گفتمانی مکتب کپنهاگ است که به جهت همراستا بودن با فشار حداکثری ایالات متحده آمریکا که نقطه تمرکز آن است، می‌تواند از شدت بیشتری در تأثیرگذاری بر امنیت ملی در دیگر حوزه‌ها برخوردار باشد؛ افزایش هزینه‌های اقتصادی برای حضور منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، کاهش مبادلات اقتصادی با کشورهای حاشیه خلیج فارس (GCC)، تحمیل هزینه‌های بیشتر اقتصادی در سطح نظام بین‌الملل و تداوم و تشدید روند تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران از طریق همکاری مشترک لابی‌های یهودی-سعودی در ایالات متحده آمریکا و غرب، از جمله این چالش‌ها و پیامدهاست که می‌تواند به طور غیرمستقیم اقتصاد داخلی را متأثر ساخته و منجر به تحت‌الشعاع قرار گرفتن امنیت در دیگر حوزه‌ها نیز گردد. مهم‌ترین رویکردی که باید جمهوری اسلامی ایران در این راستا اتخاذ کند جلوگیری از هرگونه تنش در روابط با کشورهای عربی و

جلوگیری از هر گونه اجماع‌سازی منطقه‌ای و جهانی علیه خود است. ایران باید با استفاده از اهرم‌های قدرت خود در منطقه هزینه‌های اجماع‌سازی علیه خود را برای هر کشور منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای افزایش دهد.

Translated References to English

- Abbasi, M., Hamid Far, H. (2019). The alliance of Saudi Arabia and Israel with America and its consequences on the influence and balance of forces of the Islamic Republic of Iran in the Middle East. *International Studies Quarterly*, Year 17, Number 3(67), pp. 25-7. [In Persain]
- Adami & etc. (2017). Israel and Saudi Arabia: A New Era of Bilateral Cooperation. *Strategic Policy Research Quarterly*. seventh year Number 72. [In Persain]
- Akhavi, Ah. (1993). *Applied macroeconomics*. Tehran: Publications of the Institute of Business Studies and Research. [In Persain]
- Asarian Nejad, H. (2004). *A quest for national security*. Tehran: Farabi Faculty of Science and Technology. [In Persain]
- Balzacg, T. (2005). Tree Face of Securization. *European Journal of International Relations*, Vol22, No3, 360-371.
- Bergman, R., Mazzetti, M. (2019). The Secret History of the Push to Strike Iran. *The New York Times*. Available at: <https://www.nytimes.com/2019/09/04/magazine/iran-strike-israel-america.html>.
- Bozan, B., Weaver, E. (2000). *Regions and Powers*. translated by Rahman Kahramanpour. First edition, Strategic Studies Research Institute.
- Buzzan, B., Ole, W., Wild, J. (1998), *Security: A New Framework for Analysis*. London: Lynne Rienner.
- Darvishi, F. (2006). The security environment of the Islamic Republic of Iran in the 21st century. *Defense and Security Studies Quarterly*, Number 42. [In Persain]
- Elie, P. (2018). Saudi Arabia and Israel: From Secret to Public Engagement. *Middle East Institute*. V, 72. NO, 4. PP, 563-586.
- Emadi, S. (2017). Dimensions and goals of relations between the Zionist regime and Saudi Arabia (its past, present and prospects with an emphasis on media approaches). *Applied researches of broadcasting abroad*. [In Persain]
- Farzanegan, M.R., Markwardt, G. (2009). The effect of oil price shocks on Iranian economy. *Energy Economics*, 31(1):134-151. [In Persain]
- Farzanegan, M.R., Witthuhn, S. (2017). Corruption and political stability: Does the youth bulge matter?. *European Journal of Political Economy*, vol. 49, issue C, 47-70. [In Persain]
- Farzanegan, M.R. (2023). What are the big economic challenges facing the government in Iran?. *Economics observatory*. Available at: <https://www.economicsobservatory.com/what-are-the-big-economic-challenges-facing-the-government-in-iran>. [In Persain]

- Fassihi, F. (2019). Iran's Leaders See Threats in Iraq and Lebanon Protests. *The New York Times*. Available at; <https://www.nytimes.com/2019/10/31/world/middleeast/protests-iraq-lebanon-iran.html>
- Maceda, C. (2015). Who controls 74% of the wealth in GCC?. *Gulf News*. Available at; <https://gulfnews.com/business/how-indian-asset-managers-are-beating-their-global-peers-1.1576626975507>
- Naderi Nasab, P. (2011). The challenges of relations between the Islamic Republic of Iran and Saudi Arabia in the region. *Politics Quarterly. Journal of Faculty of Law and Political Sciences*, Course 40. No 1. [In Persain]
- Negin Taji et al. (2012). Economic indicators and national security of Iran. *Political and International Research Quarterly*, Number 9, pp. 202-193. [In Persain]
- Nemati, A., Haji Yousefi, A. (2018). New developments in the relations between Saudi Arabia and Israel; Reasons and contexts. *Afaq Security Quarterly*, Year 12, Number 44, pp. 147-184. [In Persain]
- Niakoi, S., Sotoudeh, A. (2014). The essence of Saudi Arabia's strategy against Iran's Islamic revolution in the conflicts in Syria and Iraq. *Scientific and research quarterly journal of the Islamic Revolution*, fourth year, Number 17. [In Persain]
- Rahimi, H. (2007). The crisis of unemployment and national security in Iran in the 80s. *Political-Economic Information*. No. 159-160. [In Persain]
- Rania Abu, S. (2024). Saudi Arabia says no normalization with Israel without path to Palestinian state. *Middle East*. Available at; <https://www.aa.com.tr/en/middle-east/saudi-arabia-says-no-normalization-with-israel-without-path-to-palestinian-state/3115093>
- Statistical Center of Iran. (2022). Available at; https://media.farsnews.ir/Uploaded/Files/Documents/1402/03/06/14020306000582_Test.pdf
- Statistical Center of Iran. (2023). Available at; https://media.farsnews.ir/Uploaded/Files/Documents/1402/03/06/14020306000582_Test.pdf
- Today, Michael P., Smith, S.C. (2012). *Economic development* (11 ed.). Addison-Wesley. ISBN 978-0-13-801388-2.
- Ullman, R. (1983). *Redefining Security*. International Security, No1.
- Waez et al. (2023). The normalization of relations between Saudi Arabia and Israel and its effect on the national security of the Islamic Republic of Iran: threats against the axis of resistance. *International Studies Quarterly*, Year 19, No. 4(76), pp. 287-314. [In Persain]
- World bank. (2022). GNI per capita, Atlas method (current US\$), Iran, Islamic, Rep. Available at; <https://data.worldbank.org/indicator/NY.GNP.PCAP.CD?locations=AL-IR>.
- Yoel guzansky. (2023). *The Road to Normalization: Relations between Israel and Saudi Arabia*. INSS. Available at; <https://www.inss.org.il/publication/saudi-arabia-normalization/>.

